

داستانی بر اساس زندگی دکتر محمد مصدق

پاییز پدر نفت

محمود فلکی



فلکی، محمود، ۱۳۳۰ -
پاییز پدر نفت: داستانی بر اساس زندگی دکتر محمد مصدق / محمود فلکی
تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۱
۱۹۸ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۹۰۶-۰

کتابنامه
داستان‌های فارسی - قرن ۱۴
مصدق، محمد، ۱۲۶۱ - ۱۳۴۵ - داستان
رده‌بندی کنگره: PIR۸۱۶۹
رده‌بندی دیویی: ۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۴۴۴۶۷



Paper from well-managed forests
and controlled sources.

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.



پاییز پدر نفست
داستانی بر اساس زندگی دکتر محمد مصدق

محمود فلکی
ویراستار: شمیم شهلا
صفحه آرا: فریدون سامانی پور
طراح جلد: حمید باهو
مجموعه ملکوت (داستان‌های بلند فارسی)
چاپ اول: ۱۴۰۲ / ۴۴۰ نسخه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۹۰۶-۰
همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال / طبقه ششم
تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶

🌐 salesspublication.com 📱 [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	۱. بادست‌های خون‌آشنا زمین را یک ثانیه پشت تاریکی هل می‌دهند
۴۰	۲. برای رؤیا گور می‌کنند و پُر می‌کنند از شن نامی را که بوی نان تازه می‌دهد
۶۸	۳. از همه صداها تنها صدای «خیابان» به کابوسشان راه می‌یابد
۱۰۹	۴. در همسایگی همه سایه‌ها از اتاق من و تو آفتاب می‌بلعند
۱۳۱	۵. به سوی اسب‌هایی که خیال می‌کنند بال دارند، شلیک می‌کنند
۱۹۷	کتابنامه

پیشگفتار

وقتی حدود سه سال پیش تصمیم گرفتم از زندگی مصدق داستانی بنویسم، ابتدا به پژوهش در زندگی او پرداختم و متوجه شدم که چه گزارش‌های ضد و نقیضی از زندگی و فعالیت‌های سیاسی مصدق وجود دارد. افرادی که کتاب‌های پژوهشی و مقاله‌های تحلیلی یا خاطرات خود را در مورد مصدق نوشته یا بیان کرده‌اند، شامل سه دسته‌اند: ۱. آن‌هایی که شیفته مصدق هستند تنها به جنبه‌های مثبت و محسنات کار او می‌پردازند و او را از هرگونه عیب و اشتباهی مبرا می‌دانند؛ ۲. آن‌هایی که مخالف مصدق یا سلطنت طلب هستند، همه تقصیرها و مشکلات را به پای مصدق می‌نویسند. حتی به یک جنبه مثبت، ولو کوچک، در زندگی و فعالیت‌های سیاسی مصدق اشاره نمی‌کنند؛ ۳. آن‌هایی که در کتاب‌ها یا مقاله‌هایی بی‌طرفانه به زندگی و فعالیت سیاسی مصدق می‌پردازند، که البته تعدادشان کم است. یکی از این نوع کتاب‌ها، کتاب آشوب از احمد بنی جمال است که از آن بهره فراوان برده‌ام.

در مجموع در این کتاب‌ها و نوشته‌های پژوهشی و تحلیلی بیش‌تر مسائل سیاسی زندگی مصدق، چه خوب چه بد، بررسی شده است. اگرچه من هم به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی مصدق پرداخته‌ام، اما نخواستم مانند بسیاری از کتاب‌های پژوهشی یا مقاله‌های تفسیری با او همچون «ماشین سیاسی» برخورد کنم. من در جستجوی مصدقی بودم که مانند هر انسان دیگری، زندگی خصوصی و علایق ویژه خود را داشت، و این‌که نقاط قوت و ضعف‌های شخصیتی، روانی و اخلاقی‌اش

چگونه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی‌اش (مثبت یا منفی) مؤثر و تعیین‌کننده بود. برای من به ویژه جزئی‌ترین زوایای زندگی‌اش، حتی نوع لباس، غذا و رنگ محبوبش، حرکات و خنده و گریه‌اش، مناسبات خانوادگی و... بسیار مهم بود، ولی متأسفانه در این زمینه کاری جدی نشده است. حتی خاطرات نزدیکان او، از جمله پسرش، غلامحسین مصدق هم در این زمینه کمک چندانی نکرد، اگرچه از این کتاب در پهنه‌های دیگر بهره برده‌ام. در نوشته‌های خود مصدق نیز کم‌تر می‌توان ردپای مسائل خصوصی را پی گرفت. در این راستا به کتابی برخوردیم با عنوان در خلوت مصدق. فکر کردم این کتاب به زندگی خصوصی مصدق می‌پردازد و می‌تواند کمک شایانی برای من باشد؛ اما... نویسنده کتاب که عروس مصدق بود، در کنار تعریف‌های شیفته‌وار از مصدق و حرف‌های تکراری سیاسی، خود را در مرکز همه چیز قرار می‌دهد و بیش‌تر به تسویه حساب با زنان و افراد دیگر خانواده می‌پردازد تا خود را برتر و محبوب مصدق نشان دهد. از این کتاب دوست صفحه‌ای نتوانستم بیش‌تر از دوسه جمله به نفع موضوع این داستان استفاده کنم.

در هر حال از میان انبوه نوشته‌های گوناگون که به چند هزار صفحه می‌رسد، نتوانستم از این‌جا یا آن‌جا به برخی از علایق و خصوصیات شخصی و اخلاقی و ماجراهای زندگی مصدق دست بیابم تا بتوانم روی آن‌ها کار کنم و تا آن‌جا که امکان داشته جنبه داستانی به آن‌ها بدهم.

در این کتاب تمام تلاش من این بوده که بی‌طرفانه، بدون شیفتگی یا نگاه منفی رایج، با اتکا به واقعیت، جنبه‌های گوناگون شخصیت و کارکرد سیاسی مصدق را به تصویر بکشم. در عین حال از اظهار نظر سراسر شخصی یا تفسیر پرهیز کرده‌ام تا هم جنبه داستانی آن حفظ شود و هم خواننده، بدون تحمیل نظر، خود به داوری بنشیند. در جریان تألیف این کتاب متوجه شدم که رمان نوشتن از زندگی مصدق بسیار دشوار است. در این صورت یا باید کتابی قطور (دست‌کم پانصد صفحه) نوشته می‌شد تا بتوان تقریباً همه زوایای مهم زندگی او را به تصویر کشید یا این‌که روی بخشی از زندگی مصدق تمرکز داشت تا بتوان کتابی در حجم کم‌تری تألیف کرد. اما من از یک‌سو در خواندن کتاب‌های قطور یا کیلویی مشکل دارم و در نوشته‌هایم

همیشه کوشیده‌ام حجم کتاب‌هایم (حتی زمان‌ها) از دوست سیصد صفحه تجاوز نکند. چیزی را که خود نمی‌پسندم نخواستم آن را به دیگران تحمیل کنم. از سوی دیگر، دوست داشتم تقریباً همه جنبه‌های مهم زندگی‌اش بیان شود تا خواننده تصویری کلی و روشن از او داشته باشد. برای این‌که به این خواسته‌ام جامه عمل بپوشانم و رویدادهای مهم زندگی مصدق را بیان کنم، باید چاره‌ای پیدا می‌کردم. البته برای پرداخت گسترده‌تر ماجراها می‌توانستم بیش‌تر به تخیل تکیه کنم تا واقعیت. اما دلم می‌خواست واقعیت شخصیت و زندگی مصدق را آن‌گونه که بود به تصویر بکشم، نه آن‌گونه که باید باشد یا میل و آرزو دارم. به همین دلیل، عمدتاً به واقعیت وفادار ماندم. منتها متوجه شدم که وفاداری به واقعیت مانع پرداخت آزادانه کنش داستانی است. برای یافتن راه‌حل مدتی کار را خواباندم و حتی خواستم آن را به کلی کنار بگذارم. سرانجام اما تصمیم گرفتم برای رفع این دشواری، به آمیزه‌ای از داستان و گزارش دست یابم که در آن جنبه داستانی با زبانی ساده جلوه بیش‌تری داشته باشد. به همین علت است که در پرائتز زیر عنوان، قالب این نوشته را، نه زمان، بلکه داستان، به معنای عام آن، نامیده‌ام، داستانی که به رئالیسم سنتی نزدیک می‌شود. می‌توان گفت بخش‌هایی از این کتاب مانند گزارش ژورنالیستی است که می‌کوشد موضوع گزارش را داستان‌وار شرح دهد.

اگرچه من بیش‌تر روی سال‌های آخر زندگی سیاسی مصدق تمرکز داشته‌ام و به همین خاطر عنوان کتاب را پاییز پدرِ نفت گذاشته‌ام، اما برای این‌که مهم‌ترین رویدادهای زندگی مصدق به گونه‌ای بیان شود که خواننده تصویری کلی از زندگی او را پیش رو داشته باشد، در برخی از فصل‌ها، به ویژه در فصل سوم که در آن عمدتاً فعالیت‌های سیاسی مصدق بیان می‌شود، جنبه گزارشی آن بیش‌تر است. در همین راستا، در مواردی، جملات برخی از کتاب‌های پژوهشی یا نوشته‌های دیگر را عیناً یا با تغییر جمله‌بندی آن‌ها برای درک بهتر یا خلاصه کردن نقل کردم، بی‌آن‌که برای ذکر منبع، پانویس بدهم. علتش این است که اگر پانویس داده می‌شد، کتاب از حالت داستانی دور می‌شد و جنبه پژوهشی می‌یافت. این جملات عاریتی عمدتاً از برخی از کتاب‌هایی است که در پایان این کتاب، کتاب‌شناسی آن‌ها آورده می‌شود.

همچنین از ذکر منابع مختلفی به شکل مصاحبه، خاطره، مقاله یا فیلم مستند از رسانه‌های الکترونیک، در کتاب‌شناسی پایان این کتاب پرهیز کردم. هم به خاطر حجم زیاد آن‌ها و هم این‌که بسیار کم و به ندرت به درد کارم خوردند و فقط در چند مورد، مانند مصاحبه زیرک‌زاده، یکی دو جمله آن‌ها کارساز بود. البته برخی از فیلم‌های مستند و عکس‌ها مرا در یافتن نوع لباس، رفتار و حرکات مصدق در زمان‌ها (کودکی، جوانی و پیری) و مکان‌های مختلف (در خانه، مجلس، دادگاه، زندان و... یا در خارج از کشور) و مشخصات خانه‌های مصدق (چه در احمدآباد چه در تهران) و... یاری رساندند.

گفتنی است که خاطراتِ نزدیکان و اقوام مصدق، اگر چه گوشه‌ای از واقعیت آن زمان را بازگو می‌کنند، خاطره‌نگار یا مصاحبه‌شونده معمولاً یا شیفته‌وار از مصدق سخن می‌گویند یا خود را در مرکز حوادث قرار می‌دهند و عمدتاً دربارهٔ زندگی خود و برای اثبات فعالیت‌ها و نظراتِ «درستش» مسائل را مطرح می‌کند. البته مواردی هم پیش آمده که از نوشته یا گزارشی مانند گزارشِ غلامحسین صدیقی بهره بیش‌تری ببرم.

در ضمن همهٔ گفتاوردها از مصدق در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی یا عقیدتی (در همه‌جا، از جمله در دادگاه) و خاطراتش را که در گیومه ذکر کرده‌ام، همگی از خود مصدق است. این حالت در مورد گفتاوردهای دیگران نیز صادق است. در انشای این متن‌ها، حتی در جنبه‌های نارسای آن‌ها دست نبرده‌ام تا چگونگی بیان و زبان و لحن مصدق و دیگران حفظ شود.

کتاب حاضر به گونه‌ای نوشته شده که حتی برای خواننده‌ای که هیچ آگاهی‌ای از زندگی مصدق و فعالیت‌های سیاسی‌اش ندارد، می‌تواند تصویر روشنی از او به دست دهد.

در این جا لازم می‌دانم از زحمات و لطف همهٔ دوستانی که برای تهیهٔ برخی از منابع مرا یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم.